

عنوان مقاله:

مبانی معرفتی مفهوم مدرن حق

محل انتشار:

اولین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسنده:

سعید زاهد - دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد پیوسته دانشگاه علوم قضایی

خلاصه مقاله:

به نظر نمی رسد در میان مفاهیم بنیادین شاخه های مختلف علوم انسانی، مفهومی فراگیرتر از حق در گفتمان عمومی جامعه وجود داشته باشد. تحلیل فلسفی این فراگیری اهمیت موضوع حق را نمایان می سازد و همین اهمیت است که ذهن اندیشمندان و صاحب نظران را متوجه این مفهوم و زمینه را برای فلسفیدن پیرامون آن مهیا کرده است. اندیشمندان بسیاری سعی در تبیین این مفهوم و توجیه آن کرده اند و در میان رویکردهای داخل کشور نیز این مفهوم مورد اقبال متفکرین قرار گرفته و آثار بسیاری در این زمینه به نگارش در آمده است؛ لکن در میان تلاش های نظری که پیرامون این مفهوم صورت پذیرفته، امری مفقود می نماید و آن بررسی ریشه های تاریخی مفهوم حق مخصوصا فضایی که این مفهوم در آن، رشد و نمو یافت می باشد. در واقع همزمان با جنبش رنسانس (نوزایی) تغییری در فکر و اندیشه ی انسان غربی رخ داد که منجر به شکل گیری آدمی نو گردید و انسان جدید در تکاپوی ساخت عالمی نو برای خویش افتاد. انسان مدرن که ارتباط خود را با جهان فراباش متافیزیکی قطع کرده بود، در عالم ماده به دنبال نقاط اتکایی البته غیرمبهم برای توجیه خود می گشت و اصول ریاضی که واجد خصلتی فطری و ثابت بودند این نقش را ایفا کردند و به مثابه ی روش علمی مورد توجه واقع شدند. در همین راستا مفهوم حق (حقوق طبیعی مدرن) در پیوند با ریاضیات ظهور پیدا می کند و بنیانی برای علم حقوق مدرن قرار می گیرد. نوشتار حاضر در صدد است به بررسی مفهوم حق در فضای فلسفه ی عصر روشنگری و ایضاح اصولی که این مفهوم متکی بر آنهاست بپردازد. لذا در ابتدا به ارایه ی پیشینه ی تاریخی مختصر از این مفهوم پرداخته و در ادامه با رویکردی تحلیلی این مفهوم را در ضمن دو انقلاب دکارتی و کانتی که نقاط آغاز و اوج مدرنیته محسوب می شوند مورد بررسی و مذاقه قرار می دهد. هدف از نوشتار حاضر ارایه ی تبیینی مختصر از نحوه ی تحقق معنای مدرن حق جهت درک تمایز بنیادین میان برداشت مدرن و غیر مدرن از این مفهوم و ایضاح اصول و مبانی فلسفی حق در معنای مدرن می باشد تا از باب تعرف الاشیا باضدادها روزه ای در جهت نظریه پردازی در باب مفهوم دینی حق گشوده شود. امری که در مجامع دانشگاهی مفقود می نماید و نیاز آن به شدت احساس می گردد. در پایان متذکر می شود ارایه ی یک نظریه ی جامع حق مبتنی بر مبانی دینی که مقدمه ای برای ارایه-ی نظریه ی دولت در مسیر جامعه سازی جهت تحقق تمدن نوین اسلامی باشد، نیازمند تلاش بی وقفه و قلم فرسایی فراوان در این زمینه است. مقاله ی پیش رو با رویکردی تبیینی صرفا قصد ایضاح برخی حقایق پیرامون این مفهوم چالش برانگیز را دارد تا در مواجهه با آن همچون سایر مفاهیم علوم انسانی مغالطه ی اشتراک لفظی رهن نشود.

کلمات کلیدی:

حق، اومانیسیم، مدرنیته، عقل خودبنیاد، اراده ی خودآیین

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/807195>

